

نام: شهربانو

نام خانوادگی: کبیری مقدم

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته و گرایش: ادبیات کودک و نوجوان

استاد راهنما: دکتر ریاحی زمین

تاریخ دفاع: تیرماه ۱۳۹۶

بررسی شگردهای داستان‌پردازی در بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های برگزیده دینی برای کودکان و نوجوانان (طاهره ایبد، مصطفی رحماندوست، مهدی شجاعی و شکوه قاسم‌نیا)

اهمیت و فواید بسیار بازنویسی و بازآفرینی تاریخی دینی در رشد همه‌جانبه کودکان و نوجوانان از یک‌طرف و کمیت رو به فزونی داستان‌های تاریخی دینی بدون برخورداری از کیفیت محتوا و ساختار خلاق، ادبی و هنری از طرف دیگر، محقق را بر آن داشت تا به بررسی و تحلیل شگردهای داستان‌پردازی در نوزده داستان کوتاه، پنج داستان بلند و یک رمان برگزیده از ایبد، رحماندوست، شجاعی و قاسم‌نیا به روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه قیاسی و با استفاده از ابزار گردآوری کتابخانه‌ای بپردازد.

بررسی میزان مطابقت محتوایی آثار با متون اصلی، ارزیابی نقاط قوت و ضعف آثار به لحاظ داستان‌پردازی و مطابقت عناصر داستانی آن‌ها با روایات، شیوه پرداخت آثار، تحلیل تکنیک و شگردهای به کار رفته در مجموعه آثار هر نویسنده، از جمله اهداف عمده این پژوهش می‌باشد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد دو عنصر زبان و راوی نقش بسیار مهمی در بازپرداخت خلاق و هنری داستان‌ها یا عدم خلاقیت آن‌ها دارد. در واقع نوع راوی و زبان بر میزان مطابقت آثار با روایات، کمیت و کیفیت پردازش عناصر داستانی، سبک ساده یا ممتاز و متمایز نویسندگان و در نتیجه موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها در امر بازنویسی و بازآفرینی تأثیر گذاشته است.

بدین ترتیب به دلیل استفاده برخی نویسندگان از زاویه دید سوم شخص بدون گسترده‌تر شدن چشم‌انداز داستانی، پردازش محتوا در ساختاری سطحی و به کارگیری زبان غیر توصیفی، اغلب بازنویسی‌ها ساده و تقریباً ناموفق است. با توجه به میزان موفقیت بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های تاریخی دینی، چنین برداشت می‌شود که مؤلفه‌هایی همچون کاربرد راوی سوم شخص به همراه گسترده‌تر شدن هنرمندانه داستان نسبت به روایت اصلی، آراستن زبان به آرایه‌های ادبی و دستیابی به زبان توصیفی یا به کارگیری زبان غیر توصیفی با استفاده از ساده‌ترین واژه‌ها در جایگاه درست به عنوان نماد و نشانه‌ای جهت تشخیص بخشیدن به تمام عناصر داستانی، ایجاد لحنی متناسب با موضوع و درونمایه و در نتیجه دستیابی به زبان و سبکی خاص، از عوامل مؤثری است که سبب خلاقیت و موفقیت بازنویسی و بازآفرینی برخی از داستان‌ها شده است.

در این میان، داستان‌هایی که با راوی اول شخص و دوم شخص بازنوخته شده‌اند، به دلیل گستردگی عناصر داستانی و استفاده از زبان توصیفی یا غیر توصیفی‌ای که زبان داستان را بسیار متفاوت از متن اصلی می‌کند، بیش از

داستان‌هایی که با راوی سوم شخص و تقریباً مطابق متن اصلی بازپرداخت می‌شوند، به موفقیت و خلاقیت در زمینه بازنویسی و بازآفرینی دست یافته‌اند.

درباره تکنیک نویسندگان نیز می‌توان گفت رحماندوست به دلیل بهره‌گیری از راوی سوم شخص، گسترش نه چندان خلاق آثار و استفاده از زبان ساده، تکنیکی ساده و یکنواخت در بازپرداخت داستان‌ها دارد. قاسم‌نیا با وجود بهره‌گیری از زاویه دید سوم شخص، به دلیل درآمیختن آن در قالبی ادبی و در مواردی نیز ساده، خلاقیت نسبی به آثارش داده است و ایبد و شجاعی که از هر سه نوع زاویه دید بهره گرفته‌اند و با کاربرد زبانی ویژه و در مواردی ادبی، آثاری متفاوت از دیگر نویسندگان آفریده‌اند، به خلاقیت چشمگیری در این زمینه نائل شده‌اند؛ گرچه شجاعی در اغلب داستان‌های کوتاه به دلیل عدم تنوع راوی، استفاده از راوی سوم شخص و عدم خلاقیت در بازپرداخت عناصر داستانی به بازنویسی ساده نیز پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی، بازنویسی، تاریخی دینی، شگردهای داستان‌پردازی، ایبد، رحماندوست، شجاعی، قاسم‌نیا